

افق علوم اجتماعی در جهان اسلام ( ۳ از ۳ )

**علوم اجتماعی** در جهان اسلام به سطوح **تجویزی** و انتقادی محدود نمی‌شود بلکه سطوح توصیفی و تبیینی هم دارد. **فارابی** واقعیت‌های اجتماعی را پدیده‌هایی می‌داند که با آگاهی و اراده انسان‌ها ایجاد می‌شوند. به همین سبب، او **علم مدنی** را در مقابل علمی قرار می‌دهد که موضوع آن‌ها **مستقل** از اراده انسان‌ها وجود دارد.

**علامه طباطبایی** با طرح مسئله **اعتباریات**، تعریف دقیق‌تری از موضوع علوم اجتماعی ارائه کرده است. او از دو سطح **عقل نظری** و **عقل عملی** سخن می‌گوید: عقل نظری : به شناخت «هست»ها می‌پردازد و به کمک حس و با روش تجربی، هستی‌های طبیعی را می‌شناسد. همچنین با **استدلال عقلی**، احکام ریاضی و متافیزیکی را درمی‌یابد و علوم طبیعی، ریاضی و فلسفه (متافیزیک) را شکل می‌دهد.

**عقل عملی**: باید‌ها و نباید‌ها و احکام ارزشی را می‌شناسد و درباره ارزش‌های فردی و اجتماعی **داوری** می‌کند؛ مثلاً عدالت را خوب و ظلم را بد ارزیابی می‌کند.

از نظر علامه طباطبایی، **عقل عملی** به انسان در انجام عملش یاری می‌رساند و در این مسیر پدیده‌هایی را ایجاد می‌کند که در **علوم اجتماعی** بررسی می‌شوند. او چنین پدیده‌هایی را که با **قرارداد** و **اعتبار** عقل عملی ایجاد می‌شوند «**اعتباریات**» می‌نامد؛ مانند گروه، خانواده، قانون و جامعه.

**اعتباریات** دو ویژگی دارند: ۱- به خواست و اراده انسان به وجود می‌آیند؛

۲- دارای آثار و پیامدهای غیرارادی هستند.

**علوم اجتماعی** جهان اسلام در مقایسه با علوم اجتماعی جهان متجدد دارای ویژگی‌های زیر خواهد بود:

۱- این دانش متناسب با معنای **علم** در جهان اسلام است.

۲- **علوم اجتماعی جهان اسلام** از منابع و ابزارهای تجربی برای توصیف و تبیین مسائل اجتماعی استفاده خواهد کرد، ولی **تبیین‌های علمی** جهان اسلام به **شناخت تجربی** محدود نمی‌شود و از منابع **عقلانی** و **وحيانی** نیز استفاده می‌کند.

۳- **عقلانیت** مورد استفاده در **جهان اسلام** علاوه بر آن‌که با داده‌های **حسی** و **تجربی** و همچنین با **هنجارها** و ارزش‌ها و آرمان‌های فرهنگی، اجتماعی و **تاریخی** پیرامون خود تعامل فعال دارد آنها را مورد ارزیابی **انتقادی** قرار می‌دهد.

۴- **عقلانیت** در جهان اسلام با وجود تعامل با فرهنگ و سنت‌های تاریخی محیط خود، ارزش‌ها و اعتبار روشنگرانه خود را از متن فرهنگ و **کنش‌های** عاملان نمی‌گیرد؛ بلکه عاملان با استفاده از این عقلانیت به‌گونه‌ای **مستقل** به **ارزیابی** فرهنگ و تاریخ مربوط به خود می‌پردازند.

۵- **عقلانیت** جهان اسلام در تولید **دانش علمی** دربارهٔ محیط فرهنگی و اجتماعی نقش محوری دارد ولی همه عرصه‌های **علمی** را به تنهایی سامان نمی‌دهد. بخشی از آن را به کمک **حس و تجربه** زیسته و بخشی دیگر را با استفاده از **وحی** سامان می‌بخشد.

۶- علم اجتماعی جهان اسلام، علاوه بر **تبیین** وضعیت موجود جهان اسلام، دربارهٔ وضعیت **مطلوب** و **آرمانی** جامعه اسلامی و همچنین جامعه جهانی نیز داوری خواهد کرد و راه‌های برون‌رفت از **وضعیت موجود** به سوی وضعیت مطلوب را **شناسایی** می‌کند.

ویژگی‌های یاد شده نوعی از علوم اجتماعی را برای جهان اسلام پدید می‌آورد که دارای کارکردهای زیر است:

- ۱- قدرت **فهم**، تفسیر و توصیف **پدیده‌های** اجتماعی را دارد.
- ۲- توان تبیین و شناخت علل **شکل‌گیری** و پیدایش پدیده‌های **اجتماعی** را دارد.
- ۳- دربارهٔ ارزش‌ها، **هنجارها** و آرمان‌های فرهنگ‌های مختلف می‌تواند **داوری** کند.
- ۴- دربارهٔ **جامعه آرمانی** سخن می‌گوید.
- ۵- با توصیف و تبیین وضعیت موجود راه‌های **برون‌رفت** از وضع **موجود** را به سوی جامعه **مطلوب** شناسایی می‌کند.

همانند شرق جهان اسلام، در غرب جهان اسلام نیز، اندیشمندان مهمی مطرح بوده اند.

ابن عربی و ابن رشد از مهم‌ترین علمای گذشته و محمد عبدالجباری و طه عبدالرحمن نیز از برجسته‌ترین روشنفکران معاصرند.

طه عبدالرحمن به جهت تحصیلات عالی فلسفی دلبسته سنت‌های اسلامی است. طه اندیشمندی است که نگاهی منتقدانه به نوگرایی دارد و از مشروعیت «نوگرایی اسلامی» سخن به میان می‌آورد در کنار پژوهش‌های زبان شناختی و نقد سکولاریسم، «نظریه نوگرایی اسلامی»، «نظریه کنش دینی» و «نظریه مقاومت» از مهم‌ترین نوآوری‌های این متفکر است. وی معتقد است مفهوم عقلانیت در جهان اسلام متفاوت از عقلانیت موجود در جهان غرب است. او در مقدمه کتاب «کنش دینی و نوسازی عقل» اعلام می‌کند که می‌خواهد بنیادی نظری، برای بیداری دینی فراهم کند.

طه دستاورد مهم جهان اسلام را عرفان و معنویت می‌داند.

به همین جهت برخی از طه عبدالرحمن به عنوان غزالی دوران یاد می‌کنند.

عقل در معنای خاص، قوه ای است که انسان به کمک آن حقایق و قواعد جهان را می‌شناسد و براساس موضوع مورد مطالعه خود به اقسامی تقسیم می‌شود:

عقل نظری: واقعیت‌هایی را که مستقل از آگاهی و اراده انسان وجود دارند، شناسایی می‌کند و علومى مانند فلسفه، ریاضیات و طبیعیات را پدید می‌سخت‌نگیر، یاد بگیر

آورد. برای مثال قانون علیت در فلسفه یا قانون جاذبه زمین در فیزیک با این عقل شناخته می‌شوند.

**عقل عملی:** واقعیت‌هایی را که با **آگاهی و اراده انسان** به وجود می‌آیند، مانند ارزش‌ها و آرمان‌ها، شناسایی می‌کند؛ مثلاً خوبی عدالت و بدی ظلم را می‌شناسد. این عقل، **علوم انسانی و اجتماعی** را پدید می‌آورد.

اندیشمندان مسلمان با شناخت **تفاوت** پدیده‌های اعتباری و پدیده‌های تکوینی، علوم اجتماعی را شبیه علوم طبیعی نمی‌دانند؛ به همین دلیل **علوم اجتماعی** آنان از نوع تبیینی نیست.

آنان دانش علمی را به دانش **حسی و تجربی** محدود نمی‌کنند. از این رو، برخلاف رویکرد تفسیری، **تفسیر** را در تقابل با تبیین نمی‌دانند بلکه هر تفسیر را نوعی تبیین به شمار می‌آورند؛ زیرا تفسیر را **هم** نیازمند استدلال می‌دانند.

**رویکرد انتقادی** برای داوری درباره ارزش‌ها به معیار **جهان‌شمولی** که فراتر از محصولات اجتماعی و تاریخی انسان‌ها باشد دسترسی ندارد. اندیشمندان مسلمان برای داوری درباره ارزش‌ها از ظرفیت **عقل نظری، عقل عملی و وحی** بهره می‌برند.